

نگاهی به

مشکلات صنعتی کردن

کشورهای جهان سوم

• یک سرمایه گذار خرده‌پا به سرمایه‌ای برای تهیه ماشین‌آلات، تجهیزات و مجوز کارخانه و اداره روزانه کارهایش نیاز دارد، ولی مشکل این است که بندرت میتوان مؤسسات اعتباری سازمان یافته‌ای پیدا کرد که بتواند نیازهایش را رفع نماید.

(قسمت اول)

اشاره:

سمپوزیوم بین‌المللی توسعه صنعتی که به تاریخ ۱۹۶۷ میلادی، بوسیله یونیدو (UNIDO) در آتن تشکیل شد، اولین گردهمایی بین‌المللی بود که جهت بررسی مشکلات صنعتی نمودن کشورهای در حال توسعه تشکیل گردید. سمینار آتن با شرکت ۶۰۰ هیأت از ۷۸ کشور جهان و نمایندگان مختلف سازمان ملل متحد، سازمانهای بین‌المللی و سایر سازمانهای علاقمند در بخشهای عمومی و خصوصی همراه بود. در سمینار فوق مسائل مختلف اقتصادی، صنعتی و سازمانی مورد بررسی قرار گرفت که در رأس آنها مشکلات و چشم‌اندازهای توسعه صنعتی در ممالک در حال توسعه قرار داشت.

نظر به اهمیت صنایع کوچک برای صنعتی نمودن کشورهای در حال توسعه، اکثر هیأت‌های اعزامی این کشورها به سمپوزیوم، برای صنایع کوچک ارزش خاصی قائل بوده و در زمینه موانع رشد این تأسیسات، مطالعاتی انجام داده و برنامه‌های مخصوصی جهت کمک به صنایع موجود و ارتقاء انواع جدید آنها ارائه نمودند. لذا نتایج مذاکرات سمینار در مورد مسئله فوق بصورت رساله‌ای تحت عنوان چگونگی استقرار صنایع کوچک در کشورهای در حال توسعه و امکان رقابت در مقابل صنایع بزرگ تدوین گردید. این رساله مسائل و مشکلات صنایع کوچک، اهداف دولتها در ارتقاء این صنایع، نقش دولتها و سازمانهای بین‌المللی در کمک به توسعه این صنایع و بالاخره عملکرد سازمان ملل متحد را در رابطه با صنایع کوچک در چند فصل مورد بررسی قرار داده که جهت اطلاع علاقمندان ذیلاً به درج آنها می‌پردازیم.

فصل اول - مشکلات ویژه توسعه صنایع کوچک

کمبود ابتکار و پیشقدمی در تأسیس صنایع از ویژگیهای مردم بومی بیشتر کشورهای در حال رشد - جهان سوم - می‌باشد. محدودیت منابع مالی، نیروی کار ماهر، کمبود دانش فنی و مدیریت و محدود بودن بازار نیز از مهمترین فاکتورهای عقب‌ماندگی در شتاب توسعه صنعتی این کشورهاست. برای مؤسسات صنعتی بزرگ عقب‌ماندگی‌های واقعی را اگر نتوان کاملاً رفع نمود، با همکاری و همیاری کمک‌های خارجی می‌توان تا حدودی تسکین داد؛ حال آنکه این مسئله را بندرت می‌توان در مورد کارخانجات کوچک بکار برد. صنایع کوچک دو مقوله بسیار وسیع را در برمی‌گیرد؛ یکی از آنها صنایعی هستند که بوسیله صنعتگران سنتی و مجموعه‌های صنعتی اداره می‌شوند که بعضی از آنها فقط احتیاج به کمک‌هایی در زمینه مدرنیزه کردن مهارتها، وسائل و تخصصهای تولیدی خود دارند. دومین آنها صنایعی هستند که بوسیله گروه کوچکی از مجموعه‌های صنعتی اداره می‌شوند که تولیدات آنها کالاهای متنوع مصرفی و کالاهای ساده به همراه اجزاء و قطعات یدکی مورد نیاز کارخانجات تولیدی بزرگ می‌باشد، که در مورد هردوی این مقولات، طرز کار عموماً کوچکتر از آنست که مورد توجه سرمایه‌گذاران خارجی قرار بگیرد.

• خرید مواد خام، ماشین‌آلات و تجهیزات برای مجتمع‌های کوچک مشکل است؛ در بیشتر ممالک در حال توسعه، ماشین‌آلات و وسائل آن بایستی از خارج وارد شود. سرمایه‌گذاران خرده‌پا به علت کمبود ارز خارجی قادر به رقابت با مؤسسات بزرگ نمی‌باشند، لذا معمولاً ناچار به سازش با پیشنهادات درجه دوم می‌گردند.

مشکلات اقتصادی صنایع کوچک

۱ - تسهیلات ویژه اعتباری

مشکل تأمین اعتبار شاید جدیدترین فاکتور عقب‌ماندگی سرمایه‌گذاران خرده‌پا باشد، چون همین امر باعث محدودیت امکان تأمین خدمات لازم برای اداره کردن کارخانه آنها میشود. یک سرمایه‌گذار خرده‌پا به سرمایه‌ای برای تهیه ماشین‌آلات، تجهیزات و مجوز کارخانه و اداره روزانه کارهایش نیاز دارد، ولی مشکل این است که بندرت می‌توان مؤسسات اعتباری سازمان یافته‌ای پیدا کرد که بتواند نیازهایش را رفع نماید. حتی در ممالکی که چنین تسهیلاتی نیز وجود دارد یک صنعتکار کوچک قادر به تأمین چنین کمک‌هایی نیست؛ نه شماره حسابی در بانک دارد و نه سرمایه اولیه‌ای که برای دریافت وام لازم است. به این دلیل اغلب مجبور است به واسطه‌ها یا صرافان متکی شود، مدت بهره‌ها، وثیقه و



● توسعه مهارت‌های سنتی مجموعه‌های صنعتی یکی از اهداف توسعه صنایع کوچک است. اصولاً برنامه توسعه صنایع کوچک، راه حل مثبتی را که برای جلوگیری از نابودی صنایع سنتی ارائه می‌نماید، مدرنیزه کردن خود صنایع سنتی می‌باشد.

● کمبود نیروی انسانی آموزش دیده یکی از مشکلات مشترک همه کشورهای در حال توسعه می‌باشد که موجب میشود مجتمع‌های کوچک نتوانند از نظر برخورداری از خدمات کارگران ماهر با صنایع بزرگ رقابت نمایند، و اغلب به علت عدم توانایی تأمین دستمزد یا ساعت کار خوب در حفظ و جلب نظر آنها عاجز می‌مانند.

مشکلات مشترک همه کشورهای در حال توسعه می‌باشد که موجب می‌شود مجتمع‌های کوچک نتوانند از نظر برخورداری از خدمات کارگران ماهر با صنایع بزرگ رقابت نمایند، و اغلب به علت عدم توانایی تأمین دستمزد یا ساعت کار خوب در حفظ و جلب نظر آنها عاجز می‌مانند. لذا مجبورند نیروهای ساده استخدام نموده و ضمن کارآموزش‌های لازم را به آنان بدهند که این امر بهره‌وری را پائین آورده و مهارت کارگران را همواره در سطح پائینی نگه می‌دارد.

خرید مواد خام، ماشین آلات و تجهیزات برای مجتمع‌های کوچک مشکل است؛ در بیشتر ممالک در حال توسعه، ماشین آلات و وسایل آن بایستی از خارج وارد شود. سرمایه‌گذاران خرده پا به علت کمبود ارز خارجی قادر به رقابت با مؤسسات بزرگ نمی‌باشند، لذا معمولاً ناچار به سازش با پیشنهادات درجه دوم می‌گردند. همچنین در تخصیص مواد خام کمیاب همیشه دچار تبعیض می‌شوند. اولویت همیشه از آن مؤسسات بزرگ بوده و صنایع کوچک همیشه خود را در آخر صف می‌یابند. حتی در خرید سایر مواد خام نیز این صنایع دچار اشکالند. از آنجا که نیازهای آنها همچون متابعان محدود است از تخفیف‌های لازم یا امتیازاتی که در خریدهای کلان وجود دارد بی بهره می‌مانند.

مشکلات مدیریت

دانش فنی و مدیریت

نداشتن اطلاعات فنی و مدیریت از ویژگی‌های مؤسسه‌های سازمان‌های کوچک است. مدیران سازمان‌های کوچک بایستی مسئولیتها و مدیریت‌های اجرایی را در خود ادغام نمایند در حالیکه این مسئله در شرکت‌های بزرگ صنعتی یک مسئولیت گروهی است. آنها تقریباً بیشتر تجربیات و آموزش‌های رسمی را فاقدند، اگر تجربه‌ای هم دارند معمولاً به یکی دو مورد ختم می‌شود. بعضی از این مجتمع‌ها تجربیاتی در خط تولید دارند، اما اطلاعات چندانی در مسائل مالی یا بازاریابی ندارند. در بعضی موارد، مجتمع‌های کوچک بوسیله تجاری اداره می‌شوند که تجربیاتی در بازاریابی داشته ولی فاقد اطلاعات فنی بوده، از مزیت‌های ابزار جدید، مواد اولیه و تکنیک‌های تولید

۳- مکان کارخانه بدست آوردن بنیان یک کارخانه مشکل دیگر صنایع کوچک است. در اکثر ممالک در حال توسعه بحرانی بنام اجاره ملک وجود دارد که مؤسسات اینگونه صنایع را مجبور به پرداخت هزینه‌های گزافی جهت بنای ساختمان کارخانه می‌کند. چگونگی مالک شدن یک ساختمان و برخورداری از تسهیلاتی چون آب و برق و گاز و غیره معمولاً برای سرمایه‌گذاران کوچک مشکلتر از سرمایه‌گذاران بزرگ است.

۴- نیروی انسانی ماهر

کمبود نیروی انسانی آموزش دیده یکی از

باز پرداخت در این صورت بسیار تحمیلی تر از سیستم وام‌های بانکی است. بنابراین کارخانه کوچک اغلب مجبور به پرداخت بهای بیشتری برای مواد خام و قیمت پائین تری برای فروش محصولات خود می‌باشد؛ چرا که از نظر مالی به تهیه کنندگان مواد خام با واسطه‌ها متکی است. همچنین به صرف نداشتن استطاعت مالی قادر به خرید بسیاری از وسایل لازم - که در کاهش هزینه تولید و افزایش کیفیت محصولات مؤثرند - نیست. او در فروش محصولات خود ناتوان خواهد بود چرا که همچون تولیدکنندگان بزرگ نمی‌تواند شرایط اعتباراتی را که سازمان‌های واگذار کننده وام پیشنهاد می‌کنند تحمل نماید. بنابراین در مقطعی از پیشرفت کار مجتمع‌های کوچک، مشکلات مالی، مانعی بزرگ برای ضعیف نگهداشتن آنها می‌باشد.

۲- ماشین آلات لازم و مواد خام

● یکی دیگر از اهداف توسعه صنایع کوچک، باید شناسایی مهارت‌های سنتی باشد که بتوان آن را به روش‌های مدرن تبدیل نمود. از تخصص‌های سنتی پینه‌دوزی، نجاری و آهنگری میتوان بطور مؤثری در اقتصاد جدید بهره گرفت و راه مورد نظر در توسعه اینست که این حرفه‌های سنتی را به اساس نو و قابل استفاده تبدیل نمود.

استاندارد کیفیت

تولید کنندگان کوچک معمولاً از اهمیت مرغوبیت کالا بی‌خبرند و علاوه بر عدم آگاهی از استانداردها، امکانات لازم را هم ندارند. حتی اگر تجهیزات و ماشین‌آلات آنها از بهترین انواع هم باشد وسایل کنترل مرغوبیت و آزمایش در اختیارشان نیست. درسته بندی نیز صنایع کوچک همیشه از صنایع بزرگ عقب‌تر بوده و در عرضه محصولات خود به استاندارد مناسب تقاضای مصرف کننده دسترسی ندارند.

فصل ۲ - ارتقاء توسعه صنایع کوچک

کارخانجات صنعتی کوچک و مجتمعه‌های صنعتی در توسعه اقتصادی کشورهای در حال رشد از چنان اهمیتی برخوردارند که بنظر بسیاری از دولت‌ها ارتقاء و رشد این صنایع موجب نیل به اهداف و مقاصد اجتماعی - اقتصادی مختلفی می‌گردد که در ذیل به آنها اشاره می‌شود:

اهداف اجتماعی پیشبرد صنایع کوچک

۱ - تحریک مؤسسين محلی

در کشورهای در حال توسعه کارگاه‌های کوچک از مؤثرترین وسایل تحریک و تشویق مؤسسين بومی است. افراد می‌توانند باعث بوجود آمدن پتانسیلی برای سرمایه‌گذاری در مجتمع‌های بزرگ گردند ولی بعلمت قلت سرمایه، رسیدن به این هدف تنها از طریق ایجاد کارخانه‌های کوچک میسر می‌باشد. همچنین افرادی از سایر اقشار مردم نیز می‌توانند از طریق احداث کارگاه‌های کوچک در سرمایه‌گذاری مشارکت نمایند. بدین ترتیب ملاحظه می‌گردد که تعداد زیادی از مردم بومی می‌توانند در اداره کارخانجات کوچک مشارکت داشته باشند.

ببخیرند. یک صنعتگر بزرگ می‌تواند از مشاورین فنی و اقتصادی استفاده نماید حال آنکه یک مؤسس خرده پا نمی‌تواند از عهده تأمین چنین خدماتی برآید و لذا تشکیلات او ضعیف و عقب مانده می‌ماند.

بازاریابی

صنایع کوچک مشکلات ویژه‌ای در بازاریابی دارند. چنانچه قبلاً اشاره شد این مؤسسين بایستی مقدار متنوعی از عملکردهای خود را در هم ادغام نمایند و بدیهی است که اغلب در هر دو مورد منابع ه. م. غ. بت جنس برای بازاریابی دچار اشکالند.

آنها از نظر مالی قادر به برگزاری نمایشگاه با ترین و بهترین نیستند و یا توان برقرار نمودن ارتباط با بازارهای دور یا سازمانهای توزیع کننده را ندارند. اغلب آنها مجبور به فروش محصولات خود به سلف‌خرانی هستند که قبلاً اعتباراتی برای آنها با بهره‌های کلان فراهم آورده بودند. آنها از هیچ طریقی نمی‌توانند از روند تغییراتی بازار اطلاع کسب نمایند تا تولیدات خود را منطبق با این تغییرات تهیه کنند. بنابراین گاهی آنها بعلمت عدم آگاهی از تغییرات بازار و عدم تصمیم‌گیری بموقع و هماهنگ نمودن تولیدات با تقاضای بازار دچار ضرر و زیان می‌گردند. در مورد آن دسته از فرآورده‌هایی که احتیاج به خدمات پس از فروش دارند، صنایع کوچک در مقایسه با صنایع بزرگ بطور چشمگیری متضرر می‌شوند.

۲ - متحول نمودن تکنولوژی سنتی

توسعه مهارت‌های سنتی مجموعه‌های صنعتی یکی از اهداف توسعه صنایع کوچک است. در بیشتر ممالک در حال رشد اکثر تأسیسات تولیدی از نوع سنتی، صنایع دستی، روستایی یا خانواری و غیره می‌باشند، که ورود صنایع جدید و مدرن باعث متروکه و غیراقتصادی شدن بیشتر این صنایع دستی شده است. پیدایش الکتریسته و وسایل مدرن و نقش ارتباطات، پدیدار شدن تکنیک‌های جدید و تولیدات نو و پیشرفت سریع استانداردهای زندگی باعث بهبود جلوه دادن این صنایع در اقتصاد امروزه گردیده است. کارخانجات مدرن در حال رقابت با سازندگان تولیدات سنتی از قبیل میز و صندلی، کفش، منسوجات و لوازم کشاورزی که روزی در انحصار آنها بود، هستند. برنامه توسعه صنایع کوچک، راه‌حل مثبتی را که برای جلوگیری از نابودی صنایع سنتی ارائه می‌نماید، مدرنیزه کردن خود صنایع سنتی می‌باشد. یکی از اهداف مهم برنامه توسعه صنایع کوچک بایستی مدرنیزه کردن مهارت‌های صنعتگران سنتی باشد که دیگر قادر به رقابت نیستند، به آنها باید در ادامه رقابت با سایر انواع کالاهای صنعتی کمک نمود. یکی دیگر از اهداف، باید شناسایی مهارت‌های سنتی باشد که بتوان آن را به روش‌های مدرن تبدیل نمود. از

● مؤسسين صنایع کوچک اغلب مجبور

به فروش محصولات خود به سلف‌خرانی هستند که قبلاً اعتباراتی برای آنها با بهره‌های کلان فراهم آورده بودند. آنها از هیچ طریقی نمیتوانند از روند تغییرات بازار اطلاع کسب نمایند تا تولیدات خود را منطبق با این تغییرات تهیه نمایند.



تخصصهای سنتی پنبه دوزی، نجاری و آهنگری می توان بطور مؤثری در اقتصاد جدید بهره گرفت و راه مورد نظر در توسعه این است که این حرفه های سنتی را به اساسی نو و قابل استفاده تبدیل نمود. در مناطق روستائی نیاز روزافزونی به تعمیر و سرویس لوازم و پمپهای آبیاری، تراکتور و موتورهای دیزل وجود دارد که با تجدید آموزش این دسته از صنعتگران، می توان نیاز مزبور را برطرف نمود. همینطور در مناطق شهری نیاز مبرمی به افرادی نظیر لوله کش، سیم کش، مکانیک و غیره می باشد، که در اینجا نیز صنعتگران سنتی می توانند نقش مهمی را ایفا نمایند.

۳- ایجاد اشتغال

بیشتر مؤسسات صنعتی کوچک مبنای کار خود را بر صرفه جویی قرار می دهند، لذا صنایع کوچک یکی از مؤثرترین وسائل برای مبارزه با مشکل بیکاری است. البته در مؤثر بودن صنایع کوچک در ایجاد اشتغال نباید مانع نمود؛ چرا که لوازم و تجهیزات صنایع کوچک اصولاً مدرن و جدید بوده و پیشرفت در تکنولوژی و مدیریت ناگزیر منجر به پائین آمدن بازار کار خواهد شد. با این حال، ازدیاد کارخانجات کوچک و در واقع پراکنده شدن این کارخانجات در مناطق مختلف مشاغل فراوانی ایجاد نموده و از مهاجرت کارگران بیکار به شهرهای جلوگیری می کند.

اهداف اقتصادی توسعه صنایع کوچک

۱- توسعه و تعمیق صنعت

در بیشتر ممالک در حال توسعه، امکانات احداث تأسیسات صنعتی تنها در شهرهای بزرگ وجود دارد، در حالیکه تأسیس کارخانجات بیشتر در مناطق شهری به امکانات محدود آنها فشار آورده و در اقتصاد و تولید همه صنایع تأثیر سوء می گذارد. یکی از راه حل های این مشکل، توسعه صنایع به مناطق دور از شهرهای بزرگ می باشد. کارخانجات کوچک نیاز کمتری به مواد خام داشته و بازار محدودی را زیر پوشش خواهند داشت و با امضاء قراردادهای فرعی با شرکتهای بزرگ در مراکز شهرها، قطعات مورد نیاز آنها را تولید نموده و در عین حال هزینه های کارگری کمتری می پردازند. در مجموع صنایع کوچک از نظر مکانی انعطاف داشته و برای دستیابی به اهداف انتقال و گسترش تکنولوژی مفیدتر می باشند.

۲- تنوع

توسعه صنایع کوچک، بویژه در تنوع صنایع مفید است. هنگامی که میزان تقاضا برای محصول خاصی محدود است، اغلب تولید نوع کوچک تنها شاخه صادرات است و صنایع کوچک پیشرفت کار جایگزینی صادرات تسهیل را می نمایند. همچنین اگر صنایع بزرگ نیاز به قطعات کوچک داشته باشند ولی ساختن آنها برایشان غیراقتصادی است، در حالیکه تولید آنها برای کارخانجات کوچک بسیار مقرون به صرفه است. اینگونه توسعه فرعی صنایع کوچک در تقویت و تثبیت هر دو نوع صنایع بزرگ و کوچک نقش بسزائی دارند.

۳- استفاده از منابع

صنایع کوچک به بهره برداری از منابعی که

● در کشورهای در حال توسعه، کارگاههای کوچک از مؤثرترین وسایل تحریک و تشویق مؤسسات بومی است. افراد میتوانند باعث بوجود آمدن پتانسیلی برای سرمایه گذاری در مجتمع های بزرگ گردند ولی به علت قلت سرمایه رسیدن به این هدف، تنها از طریق ایجاد کارخانه های کوچک میسر می باشد.

باعث رشد سرمایه نیز می شود کمک نموده و از بی مصرف ماندن آنها جلوگیری می نمایند. اکثراً مبالغی که بعنوان سرمایه مصرف می شود از طریق پس اندازهای خانواده یا صرفه جویی در مخارج بیهوده و مصرفی حاصل می گردد که در غیر اینصورت به هدر می رفت. کارخانجات کوچک اغلب مواد اولیه خود را از میان کالاهائی که در جاهای خاصی یافت می شود، یا از محصولات فرعی کارخانجات بزرگ تأمین می نمایند که در غیر اینصورت بی مصرف می ماندند.

۴- مشکلات اقتصادی - فنی

از سودآوریهای ویژه صنایع کوچک که به آنها اشاره شد نباید چنین نتیجه گرفت که کارخانجات کوچک را هرکسی، در هر جانی که بخواهد و بدون توجه به مسائل اقتصادی و تکنولوژیکی می تواند تأسیس نماید.

بطور کلی تأسیس دو نوع از کارخانجات را بطور وسیعی باید تشویق نمود که عبارتند از:

صنایعی که تولید در مقیاس کوچک در مقابل تولید در مقیاس بزرگ سود قابل توجهی داشته باشد؛ و صنایعی که زیان حاصله از کوچکی، موقت و مقطعی و قابل جبران بوده و یا با مرور زمان امکان رشد این واحدها باشد. یکی از وظائف «توسعه صنایع کوچک» شناسائی صنایعی است که با این ضوابط همخوانی داشته و در توسعه آنها اقدام نماید.

● توسعه صنایع کوچک، بویژه در تنوع صنایع مفید است. هنگامیکه میزان تقاضا برای محصول خاصی محدود است، اغلب تولید نوع کوچک، تنها شاخه صادرات است؛ و صنایع کوچک پیشرفت کار جایگزینی صادرات را تسهیل می نمایند.

